

### پیامد رشد نظام اقتصاد بازار در کشور

بدون شک می‌توان گفت که توسعه‌ی نظام اقتصاد معیشتی به نظام اقتصاد بازار، بدون کمک و حمایت نظام اقتصادی غرب ممکن نمی‌گردد. به گمان این قلم، این حمایت توانست یک لایه‌ی اجتماعی قدرتمندی را به شکل مصنوعی در کشور ایجاد و اقشار و طبقات دیگر را با بی‌خانمانی و درگیری مواجه سازد. آسیب جدی این تغییر از همه طبقات، بیشتر متوجه زمینداران متوسط، دهقانان کم‌زمین، اهل حرفه و پیشه در روستاها و کسبه‌کاران شهری گردیده است. زمینداران متوسط که بخش قابل توجه نظام تولید اقتصاد معیشتی را تشکیل می‌داد، اغلب با به جا گذاشتن زمین، ابزار کار و دیگر امکانات معیشتی روستاها را ترک و مجبور به فروش نیروی کار شان در خارج از کشور و یا در حواشی شهرهای نو ایجاد شده در مراکز ولایات ویا پایتخت کشور گردیده است. با ایجاد نظام اقتصاد بازار سرنوشت خوب‌تر از این در پیش نبود. ورود سیل آسای آرد، گندم، برنج، روغن و مشتقات مختلف محصولات زراعتی... صفحه‌ی ۲

سال دوم، یکشنبه، ۲۰ ثور ۱۳۹۴ هجری خورشیدی، ۱۰ می ۲۰۱۵ میلادی

شماره‌ی ۳۴

مهم هفته

### ۳۱ گروگان آزاد شدند

قرار گزارش منبع موثق (بزرگان ولسوالی جاغوری) که به هفته‌نامه‌ی صدای مردم تماس گرفته اند، ۳۱ گروگان که بتاريخ ۴ حوت سال گذشته از مسیر شاهراه هرات-کابل توسط افراد داعش ربوده شده بودند، بعد از شام گذشته با زندانیان داعش و طالبان در ولسوالی جاغوری تبادل شدند. دو طرف (امنیت ملی و طالبان داعشی) با پادرمیانی بزرگان ولسوالی جاغوری و ولایت زابل، شام روز گذشته بعد از دیدار و شناسایی افراد مورد نظر شان، گروگانها و زندانیان شان را تبادل کردند. شناسایی افراد مورد نظر که دور از ساحه‌ی دید ساکنان محل و در ساحات دوردست صورت گرفت، بعد از تضمین اعضای دو طرف و تأمین امنیت جانبین با تدابیر امنیتی شدید صورت گرفته است.

مهم هفته

### ۹ شفاخانه خصوصی در شهر کابل مسدود می شود

مقامات در وزارت صحت عامه از مسدود شدن ۹ شفاخانه خصوصی به دلیل رعایت نکردن معیارات پذیرفته شده این وزارت در شهر کابل خبر می دهند. فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه گفت: "برای بهبود خدمات شفاخانه ها اقدامات و تدابیر جدی روی دست گرفته شده؛ به همین منظور از مجموع ۱۲۴ شفاخانه در شهر کابل ۵۴ شفاخانه خصوصی در این شهر نظارت و بررسی شده است." وی افزود: "یک ماه قبل هیات مختلط را موظف کردیم که از شفاخانه های خصوصی در شهر کابل نظارت کنند که در نتیجه این نظارت و بررسی، ۹ شفاخانه (شفاخانه علی سینا واقع کارته سه، شفاخانه اسپینگر واقع کوه سته سنگی، شفاخانه مداوا واقع خیابان کمپنی، شفاخانه شمس الرحمان توره کی واقع کارته نو، شفاخانه کریم رحمان واقع سر کوتل خیرخانه، شفاخانه خرمن واقع سر کوتل خیرخانه، شفاخانه علاج واقع سر کوتل خیرخانه، شفاخانه گلاب احمدزی واقع ارزان قیمت و شفاخانه فیصل واقع سرک سرسبزی) سر از امروز به دلیل رعایت نکردن معیارات پزشکی لازم مسدود می شود." به گفته‌ی وزیر صحت عامه، ۲۸ شفاخانه که دارای جواز و شرایط مقررات مراکز بهداشتی خصوصی نبود، تلاوم خدمات شان به وضعیت کنونی به نفع میزبان و سیستم صحتی نمی باشد؛ ولی این شفاخانه ها زیربنای نسبت خوب دارد که می توانند خدمات سرپا را عرضه نمایند.

## آزادی بیان، دستاورد شکننده



کهم بهرام

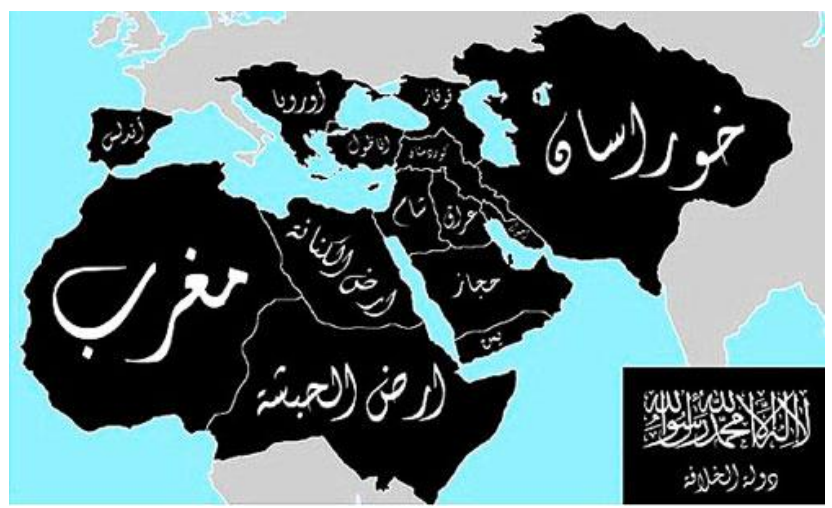
دلیل مهم پیشرفت غرب جدایی دین از سیاست و ممکن شدن نقد دین بود، در حالیکه در افغانستان دین در هر مرحله‌ی از تاریخ نقش تاثیرگذار و مهمی در سیاست‌گذاری و قانون‌سازی داشته. حتی در دوره‌ی حکومت حزب دموکراتیک خلق، قوانین نوشته‌شده احترام خاصی به اسلام داشت و قانون‌سازان و سیاستگرانی که "کمونیسست" نام گرفته بودند سعی داشتند دست‌کم در سیاست رسمی به "آیین توده‌ها" احترام کنند. گرچه در آغاز خبر زیادی از دین‌سالاری نبود، اما سرمداران رژیم وابسته به شوروی پیشین سرانجام مجبور شدند که به اشاره‌ی سران شوروی، اسلام‌بازی پیشه کنند و از راه تبلیغ اسلامی پایه‌های لرزان رژیم را استحکام بخشند که چندان تاثیرگذار نبود.

## انتخابات بریتانیا: یک پیروزی و سه استعفا



دیوید کامرون، نخست‌وزیر بریتانیا می‌تواند بدون نیاز به دولتی ائتلافی، هم‌چنان در مقام خود بماند. محافظه‌کاران ۳۳۱ کرسی را از آن خود ساختند. رهبران احزاب کارگر، لیبرال دموکرات و استقلال در واکنش به شکست خود، کناره‌گیری کردند. با اعلام نتیجه نهایی انتخابات سراسری بریتانیا و کسب اکثریت قاطع آرا به نفع حزب محافظه کار، پیروزی چشمگیری نصیب دیوید کامرون شد. این برد قاطع، با شگفتی ناظران همراه بود، زیرا نظرسنجی‌ها تا آخرین روز، حاکی از رقابت دوشادوش کامرون و میلیبند بود. این دو در ماه گذشته در کارزارهای انتخاباتی با نتیجه احتمالی ۳۴٪ در برابر ۳۳٪ شانه به شانه یکدیگر پیش می‌رفتند. اد میلیبند، شکست تلخ و غیرمنتظره خود را با استعفا از مقام رهبری حزب کارگر پذیرفت و مسوولیت ناکامی سوسیال دموکرات‌های بریتانیایی را که در سه دهه گذشته بی سابقه بوده، بر عهده گرفت. نتیجه‌ی این انتخابات برای حزب کارگر به مراتب بدتر از سال ۲۰۱۰ است که رهبر پیشین آن، گوردون براون به کسب ۲۵۸ کرسی بسنده کرد. آنها در انتخابات ۷ می، تنها ۲۳۱ کرسی به دست آوردند. میلیبند از شبی تلخ برای حزبی یاد کرده و گفته است: "انتخابات را باختیم زیرا به آرای که در ولز و انگلستان امیدوار بودیم، دست نیافتیم." شگفتی دیگر انتخابات بریتانیا، شکست حزب دست راستی "یوکیپ" به رهبری نایجل فاراژ بود. فاراژ نیز در واکنش به ناکامی در کسب کرسی پارلمان، از مقام خود کناره گرفت. او که برای ورود به مجلس عوام در حوزه انتخاباتی "ساوت تانت" می‌کوشید، کرسی مربوطه را با ۳۲ درصد در برابر ۳۸ درصد، به

## داعش و توجه به خراسان بزرگ



توجه داعشی‌ها و طالبان به خراسان و اعزام دعوت‌گران غرض جلب افکار و به کارگیری نیروی فدایی در این ساحه‌ی تاریخی، یکبار دیگر استراتژی سیاسی نظامی بنی عباس را در جلب افکار ساکنان این خطه در خاطرها زنده می‌سازد. اعلام هزینه‌ی قابل توجه برای جلب و جذب نیروی جنگی از جانب دولت اسلامی و اعزام صدها جنگجوی زن و مرد از ماورای مرزهای جنوبی کشور به خراسان قدیم و سربازگیری از نواحی خاص این منطقه همه‌ی یک‌نوع تکرار تاریخ را نشان می‌دهد. تاجیک‌ها به تاریخ خراسان و منطقه ارتباط می‌گیرند، این ساحه‌ی استراتژیک از دوران قدیم بدینسو گهواره‌ی آشوب‌های اجتماعی و مسکن ناامنی بوده است. این پل ارتباطی میان آسیای مرکزی، جنوبی و غربی که کمترین عمر آرامش سیاسی در آن به کمتر از نیم قرن هم نمی‌رسد. با طبیعت خشن جنگی و مردمان محروم‌شده‌ترین ساحه برای سربازگیری و شورشگری است. عدم تأمین عدالت در ابعاد گونه‌گون، کمبود روان تسامح و مدارا، تمامیت‌خواهی به اشکال متنوع، اشغالگری، تبعیض و تعصب، زیاده‌خواهی و گرایش‌های مختلف افراط‌گرایی که انرژی ذخیره‌ی قابل توجه درین جغرافیا دارد، بهترین امکان و زمینه را برای انواع تفکر و اندیشه‌های افراط‌گرا داده تا با سربازگیری ازین خطه به آمال و اهداف سیاسی‌شان برسند. در این روزها که بحران سیاسی حاکم بر منطقه و نظام سیاسی موجود در کشور، زمینه‌ی مساعدتری... صفحه‌ی ۲

آزاد.....

توجه داعشی‌ها و طالبان به خراسان و اعزام دعوت‌گران غرض جلب افکار و به کارگیری نیروی فدایی در این ساحه‌ی تاریخی، یکبار دیگر استراتژی سیاسی نظامی بنی عباس را در جلب افکار ساکنان این خطه در خاطرها زنده می‌سازد. اعلام هزینه‌ی قابل توجه برای جلب و جذب نیروی جنگی از جانب دولت اسلامی و اعزام صدها جنگجوی زن و مرد از ماورای مرزهای جنوبی کشور به خراسان قدیم و سربازگیری از نواحی خاص این منطقه همه‌ی یک‌نوع تکرار تاریخ را نشان می‌دهد. تاجیک‌ها به تاریخ خراسان و منطقه ارتباط می‌گیرند، این ساحه‌ی استراتژیک از دوران قدیم بدینسو گهواره‌ی آشوب‌های اجتماعی و مسکن ناامنی بوده است. این پل ارتباطی میان آسیای مرکزی، جنوبی و غربی که کمترین عمر آرامش سیاسی در آن به کمتر از نیم قرن هم نمی‌رسد. با طبیعت خشن جنگی و مردمان محروم‌شده‌ترین ساحه برای سربازگیری و شورشگری است. عدم تأمین عدالت در ابعاد گونه‌گون، کمبود روان تسامح و مدارا، تمامیت‌خواهی به اشکال متنوع، اشغالگری، تبعیض و تعصب، زیاده‌خواهی و گرایش‌های مختلف افراط‌گرایی که انرژی ذخیره‌ی قابل توجه درین جغرافیا دارد، بهترین امکان و زمینه را برای انواع تفکر و اندیشه‌های افراط‌گرا داده تا با سربازگیری ازین خطه به آمال و اهداف سیاسی‌شان برسند. در این روزها که بحران سیاسی حاکم بر منطقه و نظام سیاسی موجود در کشور، زمینه‌ی مساعدتری... صفحه‌ی ۲



## گپ مردم



### سایه‌ی تیره‌ی بی‌اعتمادی

#### به پاکستان

ب. آذری

همزمان با افزایش ناامنی در کشور، خبرهایی از روند صلح هم شنیده می‌شود. دیدار غیررسمی نمایندگان دولت کابل و طالبان در قطر برای عده‌ی امیدواری‌هایی را پدید آورده است. در این دیدار که نمایندگان از پاکستان، چین و ایالات متحد آمریکا هم شرکت داشتند، روی گشایش دفتر سیاسی طالبان در قطر توافق شد، اما پیشنهاد آتش‌بس نمایندگان افغانستان از سوی طالبان رد شد. بهانه‌ی ادامه‌ی جنگ، حضور نیروهای خارجی در کشور خوانده شده و نمایندگان طالبان تاکید کرده اند که زمانی دست از جنگ برمی‌دارند که این نیروها از افغانستان بیرون شوند. پس از این نشست، رضوان اختر، رئیس آی. اس. آی به کابل آمد و در دیدار با رئیس جمهور غنی از همکاری کشورش برای متقاعدکردن طالبان به هدف پیوستن به روند صلح خبر داد.

این در حالیست که در اواخر سال گذشته‌ی خورشیدی هم مقامهای نظامی پاکستان در دیدار با سران "حکومت وحدت ملی"، از تلاشهای شان برای کشاندن طالبان به میز مذاکره با دولت کابل خبر داده بودند. اما همزمان با گرم‌شدن هوا، حمله‌های طالبان در گوشه و کنار افغانستان افزایش یافت؛ مساله‌ی بی‌اعتمادی دولتمردان کابل را نسبت به پاکستان از میان نبرده و برعکس شک و تردیدهای بیشتری را پدید آورده است. در حالیکه "حکومت وحدت ملی" از آغاز تا امروز حسن نیت قابل ملاحظه‌ی نسبت به دولت اسلام‌آباد دارد، پاکستان‌ها کار مهمی نکرده اند که نشان‌دهنده‌ی قصد صادقانه‌ی آنها در قضیه‌ی حل بحران افغانستان باشد. افغانها با توجه به تمام شکست و ریخت‌هایی که به دلیل دخالت‌های ویرانگر دولت پاکستان در چند دهه جنگ و جنایت دیده اند، نسبت به هر عملکرد و اظهار نظر مقامهای ارشد این کشور شک و تردید دارند. دولت اسلام‌آباد تا کنون نه تنها که کاری برای اعتمادسازی نکرده، بلکه با وعده‌خلافی‌ها و پشتیبانی آشکار از گروه‌های تندرو اسلامی، نفرت و بی‌اعتمادی افغانها را نسبت به عملکردهایش بیشتر کرده است. تا زمانیکه پاکستانی‌ها در عمل تلاش صادقانه‌ی برای دست‌ازجنگ‌کشیدن طالبان انجام ندهند، دولت کابل و مردم افغانستان به آنها اعتماد نمی‌کنند.

پاکستان از آغاز پیدایش تا کنون، افغانستان را با عینک دشمن دیده و با تکیه بر این نظریه که ایجاد هرگونه دولت مستقل در کابل به سود منافع کلان اقتصادی و سیاسی پاکستان نیست، نسبت به افغانستان برخورد کرده است. اما تلاش نظامیان پاکستانی برای روی‌کارآوردن دولت وابسته به اسلام‌آباد در کابل همواره به شکست انجامیده و سیاست خصمانه‌ی نظامیان پاکستانی جز اینکه به رشد بنیادگرایی اسلامی و تروریسم کمک کرده باشد، کاری از پیش نبرده؛ تروریسمی که حتی پاکستان هم از آن در امان نمانده است. جنگ و ناامنی‌یی که در نتیجه‌ی دخالت‌های پاکستان در افغانستان جاری است، دامن پاکستان را هم گرفته و این کشور را به یکی از لانه‌های تروریستی در جهان مبدل کرده است. آیا نظامیان پاکستانی به این درک رسیده اند که ادامه‌ی پرورش تروریسم و خشونتگری به سود کشورشان نیست و بنابراین، باید از در دیپلوماسی به حل چالشهای موجود میان کابل و اسلام‌آباد پرداخت؟

در حال حاضر نه.

# آزادی بیان، دستاورد شکننده

است که اگر نگاه واقعگرایانه نسبت به آنها نداشته باشیم، ما را در همان گودالی پرت خواهد کرد که سه دموکراسی گذشته را بلعید.

#### بستر دینی-قبیله‌یی

یکی از موانع بزرگ در برابر نهادینه‌سازی آزادی بیان و روند دموکراسی‌سازی، نقش قدرتمند دین و قبیله در ساختار اجتماعی-سیاسی افغانستان است. بستر دینی در یک رابطه‌ی دیالکتیکی با ساختارهای قومی و قبیله‌یی منجر به تقویت هم می‌شوند.

ساختار دینی-قبیله‌یی با آنکه تغییراتی دیده اما هنوز هم در سیاست‌گذاری‌ها نقش تعیین‌کننده دارد. حتی در شهرها که باید به عنوان مراکز تولید و گسترش دموکراسی به روستاها عمل کنند، مردم‌سالاری تعریف نادرستی دارد و به دلیل سلطه‌ی سنت و مردسالاری که از بستر دینی آب می‌خورد، بسیاری‌ها آنرا خلاف ارزشهای اسلامی جامعه‌ی شان می‌دانند. از این نظر، دموکراسی‌های گذشته و کنونی که در اثر فشار عامل بیرونی از بالا به مردم اهدا شده، در نبرد با ساختار قدرتمند دینی-قبیله‌یی که در اثر قرن‌ها تبلیغ و ترویج ریشه‌ی توده‌یی کسب کرده، به عقب‌نشینی تن داده است.

دلیل مهم پیشرفت غرب جدایی دین از سیاست و ممکن شدن نقد دین بود، در حالیکه در افغانستان

#### برعکس دموکراسی‌های موفق در جهان که به

#### گونه‌ی تدریجی و نهادمند از پایین پیاده شده

#### اند، دموکراسی افغانستانی از بالا بر توده‌ها

#### اعمال شده و جز عده‌ی کمی از

#### تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران، اکثریت مردم

#### به آن آشنایی چندانی نداشتند و در برخی

#### موردها، دموکراسی را در تضاد با فرهنگ و

#### سنت پذیرفته‌شده‌ی خودشان می‌دانستند که

#### از نیاکان خود به ارث برده بودند. هنگامیکه

#### امان‌الله، شاه ترقی‌خواه افغانستان خواست تا

#### مردم از دموکراسی و مدرنیسم لذت ببرند،

#### توده‌ها نه تنها که از آن استقبال نکردند، بلکه

#### در برابر او سنگر گرفتند که سرانجام بدی

#### برای دموکراسی امانی داشت.

آزادی بیان به عنوان یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی، چهارمین بار است که در افغانستان تجربه می‌شود؛ اما عمر این ارزش دموکراتیک در هر دوره‌ی کوتاه بوده و فرصتی برای نهادینه‌شدن نیافته است.

آزادی بیان نخستین بار در دوره‌ی امانی در افغانستان تجربه شد، اما با توجه به بستر اقتصادی-سیاسی‌یی که دموکراسی امانی در آن می‌خواست شاخ و برگ بگیرد، شانس زیادی برای پیروزی نداشت. به ویژه با اراده‌گرایی‌های ماجراجویانه‌ی امان‌الله، فرصت‌های اندکی هم که افغانستانی‌ها داشتند از دست رفت. بار دوم در دوره‌ی نخست‌وزیری شاه‌محمود حق آزادی بیان به مردم داده شد. دربار ظاهرشاهی کوشید تا با پیش‌کشیدن دموکراسی به مردم، خشم و نفرت ناشی از استبداد دوره‌ی هاشم خان را کم کند. اما این دموکراسی هم با روی‌کارآمدن داوود بر چوکی نخست‌وزیری از میان رفت. آزادی بیان سوم در دوره‌یی که در تاریخ معاصر افغانستان از آن به نام دهه‌ی دموکراسی یاد می‌شود، تجربه شد، که با توجه به پیدایش و رشد جریانها و احزاب سیاسی نوگرا و میزان تاثیرگذاری این جریانها روی رویدادها و پیشامدهای بعدی که تاریخ افغانستان را دگرگون کرد، از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. اما سرانجام آزادی بیان در این دوره هم با موانعی برخورد کرد که دو دموکراسی را در گذشته از پا درآوردند.

آزادی بیان برای چهارمین بار پس از لشکرکشی دولت ایالات متحد آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی به آزمون نشست. آزادی بیان در این دوره در مقایسه با دهه‌ی دموکراسی قیدوبندهای خاص خود را دارد و برای هر گرایشی زمینه‌ی قداقراری و برآمد سیاسی نمی‌دهد، به‌ویژه گروه‌های چپی. به هر حال، اگر آزادی بیان در چهارچوب کنونی هم فرصت راه‌رفتن داشته باشد، در مقایسه با استبداد سیاسی‌یی که تقریبین سراسر تاریخ افغانستان را شامل شده، خوب است و باید قدرش را دانست. دموکراسی کنونی هم مثل دموکراسی‌های گذشته با چالشهای ریشه‌دار و سختی روبرو

## نظری به سیر رشد نظام اقتصادی...

بدنبال آن در بسیاری موارد زمینداران کوچک و کم‌زمین ناگزیر گردیده، تا با فروش مایملک ارضی و آب شان روستاها را ترک و در حواشی شهرها به ایجاد سرپناه بپردازند. در این صورت شکل‌گیری مالکان جدید املاک زراعتی که یقیناً با وسایل و امکانات روز به کشت و زرع اراضی اقدام خواهند کرد، پدید خواهد آمد.

پیدایش این لایه‌ی اجتماعی نوین در کشور که از بستر ورود سیل سرمایه‌ی پولی و مالی غرب ممکن گردید، جایجایی وسایل تولید و امرار معاش را از اساس دگرگون ساخت. چگونگی مالکیت بر وسایل و امکانات تولید که در گذشته غیرمتمرکز و پراکنده از دورترین قریه و قصبات تا اعماق شهرها قرار داشته، بتدریج با شکل‌گیری لایه‌ی جدید و صاحبان وسایل متمرکز گردیده و شیوه‌ی بهره‌کشی و استفاده از نیروی کار به راه و روش دیگر استمرار می‌یابد.

پس از این می‌توان به جدیت ادعا کرد که بدون سرمایه پولی قابل توجه و استفاده از ابزار تخنیکی و ماشینی، کشت و بذر اراضی زراعتی و کسب محصول قابل توجه برای زارع (کشت‌گر) ممکن نبوده و بتدریج روستاها از سکنه خالی گردیده و شیوه مالکیت از ریشه تغییر یافته و جابه جایی طبقات به

دین در هر مرحله‌ی از تاریخ نقش تاثیرگذار و مهمی در سیاست‌گذاری و قانون‌سازی داشته. حتی در دوره‌ی حکومت حزب دموکراتیک خلق، قوانین نوشته‌شده احترام خاصی به اسلام داشت و قانون‌سازان و سیاستگرانی که "کمونیست" نام گرفته بودند سعی داشتند دست‌کم در سیاست رسمی به "آیین توده‌ها" احترام کنند. گرچه در آغاز خبر زیادی از دین‌سالاری نبود، اما سرمداران رژیم وابسته به شوروی پیشین سرانجام مجبور شدند که به اشاره‌ی سران شوروی، اسلام‌بازی پیشه کنند و از راه تبلیغ اسلامی پایه‌های لرزان رژیم را استحکام بخشند که چندان تاثیرگذار نبود.

#### دموکراسی از بالا

برعکس دموکراسی‌های موفق در جهان که به گونه‌ی تدریجی و نهادمند از پایین پیاده شده اند، دموکراسی افغانستانی از بالا بر توده‌ها اعمال شده و جز عده‌ی کمی از تحصیل‌کرده‌ها و روشنفکران، اکثریت مردم به آن آشنایی چندانی نداشتند و در برخی موردها، دموکراسی را در تضاد با فرهنگ و سنت پذیرفته‌شده‌ی خودشان می‌دانستند که از نیاکان خود به ارث برده بودند. هنگامیکه امان‌الله، شاه ترقی‌خواه افغانستان خواست تا مردم از دموکراسی و مدرنیسم لذت ببرند، توده‌ها نه تنها که از آن استقبال نکردند، بلکه در برابر او سنگر گرفتند که سرانجام بدی برای دموکراسی امانی داشت.

در دو تجربه‌ی بعدی هم دموکراسی از بالا اهدا شد و سپس از مردم گرفته شد؛ مساله‌یی که واکنش جدی توده‌ها را در پی نداشت. زیرا خواست آزادی بیان و دموکراسی‌طلبی در حلقه‌های روشنفکری معنا و مفهوم داشت و بقیه بوی چندانی از آن نمی‌بردند. چون طبقه‌ی متوسط به عنوان نیروی تاثیرگذار در جامعه حضور نیافته بود، استبداد سلطنتی با دستی دموکراسی پیش می‌کرد و با دست دیگر

پس می‌گرفت.

عوامل یادشده در سیزده سال گذشته هم مانع اصلی نهادینه‌سازی آزادی بیان بوده و دموکراسی را شکننده کرده است. اما آزادی بیان این بار، با آنکه هنوز راه درازی تا نهادینه‌شدن در پیش دارد، به دلیل رشد طبقه‌ی متوسط و بلندرفتن آگاهی سیاسی مردم در شهرها، شانس پایداری بیشتری در مقایسه با دوره‌های دیگر دارد.

گونه دیگر در روستاها و شهرهای کشور آرایش می‌یابد.

سرنوشت نیروی کار سرگردان روستایی که از این به بعد فاقد هرگونه وسایل تولید و امرار معاش ارضی است، جز فروش نیروی کار فنی و غیر فنی‌اش که دیگر هیچ‌گونه راه برون رفت برای ادامه زندگی ندارد. او را ناگزیر می‌سازد که به هر نرخ که مالک کار برای بهره‌کشی از کار او وضع می‌نماید، گردن گذاشته و نیروی کارش را بفروشد.

به هر اندازه نظام اقتصادی موجود استحکام یافته و به پختگی پیشرفت نماید، نرخ بهره‌کشی افزایش و سطح بیکاری توسعه یافته و در صورت عدم ایجاد کار میزان مردم بینوا و محتاج که سختی بار معیشت آنان را به هر کار قانونی و غیرقانونی وارد خواهد کرد، افزایش می‌یابد. پس از این می‌توان گفت که مهم‌ترین مساله، مدیریت این سیل نیروی بیکار است. این نیرو در صورت عدم ایجاد بازار به هر در و دیوار و به هر کوبی و برزن سر زده و به شکل کنلوی در اختیار نیروها و طبقات مختلف مفید و یا مضر قرار خواهد گرفت.

در کشوری که در جریان قریب به چهل سال اخیر، صدها هزار انسان با استفاده از ایجاد فضای ناامنی به نان و نوابی رسیده اند، این نیروی تازه وارد می‌تواند اسباب مشکلات مختلف را به وجود آورده و این روند را تشدید و تنور ناامنی را گرم‌تر سازد.

ادامه دارد

## برگی از تاریخ

### پایگاه‌های شوروی در افغانستان

"پایگاه‌های هوایی یا زمینی شوروی در نقاطی مستقر شده اند که شوروی‌ها فکر می‌کنند کنترل آنها کاملن ضروری است. جاده‌ی استراتژیکی که کابل را به شمال کشور متصل می‌کند، توسط لشکری حفاظت می‌شود که در حیرتان واقع در مدخل پلی که به روی آمودریا کشیده شده و روز ۱۲ مه سال ۱۹۸۳ افتتاح شده است- استقرار یافته است. از این جاده همیشه در ساعات روز کاروان‌های ملزومات ارتش (نفت، اسلحه، تجهیزات، ابزار و مواد خوراکی) رفت و آمد می‌کنند. نیز دو لشکر مستقر در مزار شریف و کندز(ابدان میرعلم) و سه پایگاه هوایی بسیار بزرگ یعنی پایگاه هوایی کلاکه(در دروازه‌ی جنوبی پل حمزی، یکی از معدود شهرهایی که با لشکرگاه، شبرغان و خوست و البته کابل دارای درصد قابل توجهی از جمعیت متمایل به رژیم است)، پایگاه هوایی بگرام (قرارگاه ستاد کل نیروهای هوایی شوروی در افغانستان و ستاد کل لشکر ۱۰۵ گارد هوارد، محلی که دستور همه‌ی عملیات بمباران شرق کشور از آنجا صادر می‌شود) و سرانجام پایگاه هوایی کابل (که در سال ۱۹۸۱ توسعه یافته است) از این جاده محافظت می‌کنند.

در شمال کشور برای برقراری امنیت در تأسیسات استخراج گاز-ثروت اصلی افغانستان که تمان به شوروی ارسال می‌شود- یک لشکر در شبرغان مستقر شده است.

غرب کشور و مناطق هم مرز با ایران پر از پایگاه‌هایی است که در این منطقه‌ی بیابانی دلیلی جز این که به سبب نزدیکی به مرز ایران برپا شده باشد ندارد. پایگاه غول‌آسای شیندند بر تمام منطقه‌ی غرب افغانستان فرمان می‌راند. این پایگاه دسترسی به تنگه‌ی هرمز را برای بمباران‌های سنگین شوروی- که فقط باید از فراز صحرای بلوچستان و آب‌های بین المللی اقیانوس هند بگذرند- امکان پذیر می‌سازد.

سایر پایگاه‌ها نقشی محلی ایفا می‌کنند و محل استقرار هلیکوپترها و تانک‌هایی هستند که وظیفه‌ی سرکوبی مخالفین را در سطح هر استان بر عهده دارند، استان‌هایی چون: غزنی، قندهار و هرات در مسیر جنوب، جلال‌آباد نزدیک مرز پاکستان و در شمال اندخوی و فیض‌آباد.

از سال ۱۹۸۲ شیندند دیگر نقشی در عملیات شمال غربی کشور ندارند، این عملیات از پایگاه‌های مستقر در خاک شوروی هدایت می‌شود. این پایگاه‌ها عبارت اند از: عشق‌آباد، بایرام‌علی نزدیک مرو، تخته بازار در کنار رودخانه مرغاب، آق کنه‌پر آمودریا و کرچی و کرکی.

سرانجام شوروی یک پایگاه موشکی در منطقه‌ی کوچک واخان در مرز چین و در ارتفاع ۵۰۰۰ متری احداث کرده تا مانع مداخله‌ی احتمالی چین شود و شهرک‌های منطقه‌ی سین کیانگ را زیر نظر داشته باشد.

#### ارتش دولتی افغانستان

هدف شوروی‌ها تشکیل یک ارتش افغانی است که قادر باشد در صفحه‌ی عملیات دارای کارایی بوده و قابل اعتماد باشد، ارتشی که بتواند با نهضت مقاومت تماس مستقیم برقرار سازد و به واحدهای شوروی امکان دهد تا به مسایل لوژستیکی، محافظت از محورهای اصلی ارتباطات و پشتیبانی آتش بپردازند. چنین ارتشی دست کم به صد هزار مرد جنگی نیاز دارد. برای رسیدن به این هدف شوروی به بسیجی انبوه و اجباری دست زده است. آنها می‌کوشند تا در عرض چند ماه افسران و درجه‌دارانی در محل تربیت کنند (نهضت مقاومت، این گونه افسران را ضابط ماشینی-کنایه از مرغ ماشینی- می‌نامد) و در شوروی به کار تربیت افسران در دوره‌های بلندمدت می‌پردازند. دانش آموزان دبیرستان و دانش‌جویان را-حتا گاهی قبل از برگزاری امتحانات- به صورت سیستماتیک به سوی ارتش می‌کشند: به آنها وعده داده می‌شود که پس از پایان خدمت سربازی به آنها دیپلوم پایان تحصیلات داده خواهد شد. مدت خدمت از ۲ به ۳ و سپس به ۵ سال افزایش داده شده و حقوق‌ها به نحو چشم‌گیری سیر صعودی پیموده است. از طرفی شوروی به تشکیل واحدهای نخبه متشکل از افراد محلی دست زده است. این گردان‌های جدید به فارسی "اپراتیفی" نامیده می‌شوند. تصور می‌شود این کلمه از روسی گرفته شده است. این اپراتیفی‌ها در پایگاه‌های مهم ارتش حکومتی خدمت می‌کنند.

تصور نمی‌شود تا چندین سال آینده روسها به همه‌ی اهداف خود دست یابند، زیرا روشی که جوانان اعزامی به شوروی در آینده در پیش خواهند گرفت هنوز نامعلوم است. حدس زده می‌شود که تعداد نفرات ارتش کنونی افغانستان بین سی تا چهل هزار نفر باشد(ولی سربازان جدید سلاح ندارند و سربازان قدیمی هم فاقد سلاحهای پیشرفته هستند، و همین واقعیت، خود نکته‌ی است رساننده‌ی آن که به آنها اعتماد ندارند.)"

جنگ افغانستان (دخالن شوروی و نهضت مقاومت)، آندره بریکو و اولویویه روا، ترجمه‌ی ابوالحسن سروقد مقدم، ۱۳۶۶، بنیاد پژوهش‌های اسلامی: مشهد، صص ۱۱۱-۱۱۳

## داعش و توجه به خراسان...

سرانجام بعد از تدارک و آمادگی به مبارزه نظامی می‌پرداختند. این گونه مقاومت به‌ویژه در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوان دارد. به روایت تاریخ طبری اولین مقاومت و یا مخالفت که بنا به یک روایت به سازماندهی عبدالله ابن سبا در دوره خلیفه سوم آغاز گردید، سرانجام به خروج فرقه‌ی خوارج در زمان خلیفه چهارم(امام اول شیعیان) در نهایت به اختلاف میان فقها در عهد بنی عباس و شکل‌گیری مذاهب گردید.

در این زمینه تفاوت‌هایی هم وجود دارد. در آن مقطع تاریخی، ابومسلم مرد آزادمشرب خراسانی، برخاسته از درون توده‌های محروم و از لحاظ تیره قومی از ترک‌تباران خراسان آن عهد و از ناحیه‌ی سرپل امروزی بود که بعد از بیعت با امام عباسی آن وظیفه‌ی سترک را به فرجام رسانده و سرانجام توسط دستگاه جدید که یک نوع برتری‌خواهی نژادی را نمایندگی می‌نمود، به شکل سبعانه‌ی قربانی گردید. درحالیکه نگرش سیاسی و باورهای ایدیولوژیک داعشی‌ها و طالبان به هیچ صورت با ابومسلم خراسانی و یاران او قابل مقایسه نمی‌باشد. داعیه ابومسلم مقاومت آزادی‌خواهانه و دموکراتیک به نفع دهقانان و ملیت‌های غیرعرب بود. اما داعشی‌ها از همان تحجر

را برای شورش‌گری و ایجاد هسته‌های مقاومت خلاف مرکز به وجود آورده، به نظر می‌رسد، خراسان قدیم به مرکز توجه اصلی و محور سربازگیری برای داعشی‌ها تبدیل شده است.

برافراشتن بیرق اعتقادی، در تقابل با تهاجم، استبداد، خودکامگی و رسیدن به اغراض نیک و یا بد سیاسی، کار امروز نیست. از گذشته‌ی دور بدینسو، جنبش‌های سیاسی با درک روان‌شناسانه از ذهنیت توده‌های عوام، با پوشش اعتقادی، جهت رسیدن به اهداف سیاسی‌شان به تحریک و سازماندهی هسته‌های مقاومت و مخالفت پرداخته است. آنگونه جنبش‌ها گاهی ریشه در برون از مرزهای جغرافیایی مقاومت‌گران داشته و زمانی اغلب بدون تحریک و دست‌اندازی عوامل برونی، در تضاد با استبداد حاکم در اتکا به ساختار اجتماعی، اقتصادی آن و از درون بستر آن جوامع خود را سازماندهی نموده اند.

آن نیروها اغلب در عین حال که به نوعی از دموکراسی مورد نیاز و متناسب به زمان باورمند بودند و با روحیه ضد استبدادی وارد کارزار مبارزات مخفی سیاسی و

## حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و ...

قبایل سمت جنوب و جنوب شرق تطبیق گردیده، هم مدنظر دارد.(۴) و یا در یک مقایسه دیگر به وضوح می‌توان گفت که قانون تنظیم امور زمینداری دولت کنونی و نظام نامه اسکان ناقلین در روی یک سکه بوده و با وجود ظاهرسازی‌های کذایی و دروغین ماهیت یگانه دارند.

از آن سبب در فقره ۳ ماده‌ی پنجاهم زیر عنوان حق انتقال ملکیت در کنار مستحق کلمه‌ی ناقل هم درج گردیده است. همچنان زیر عنوان تعریف اصطلاحات در ذیل ماده‌ی سوم، فقره چهارم ناقل را چنین تعریف کرده است: "ناقل، شخصی است که دولت در محل دیگر غیر از محل سکونت اصلی، برای وی زمین توزیع نموده باشد."

در این صورت رژیم موجود از چند اصل برای تنظیم امور زمینداری غرض دسترسی به اهداف مورد نظر بهره می‌گیرد.

حق ملکیت دولتی

حق ملکیت سلطانی

اسناد مدار حکم ملکیت زمین

تصرف برای مدت ۳۵ و ۴۰ سال

ناقل بودن که ماده دهم و فقرات شش‌گانه آن بیشترین تفصیل را در این سند در بر گرفته است.

ملکیت خصوصی

زمین‌های دولتی

زمین مرعی(چراگاه و مالچر، متروکه)

زمین وقفی

زمین بایر

زمین بکر

منابع:

۱. قانون تنظیم امور زمینداری، انتشارات وزارت عدلیه، ج ۱۱، سال ۱۳۹۲
۲. نظام‌نامه ناقلین، ۱۳۰۶
۳. قانون تنظیم زمینداری
۴. افغانستان در پنج قرن اخیر، نوشته‌ی میر صدیق فرهنگ، ج اول و دوم، ۱۳۸۸، عرفان: تهران
۵. قانون تنظیم زمینداری

## جیلانی پوپل رئیس ارگان‌های محلی شد

داشت که در گذشته شغل دیپلماتیک داشت و حدود دو سال گروگان شورشیان پاکستانی بود.

ارگان‌های محلی از نهادهای اجرایی مهم حکومت افغانستان شمرده می‌شود. عزل و نصب والیان به امضای رئیس جمهور از صلاحیت‌های این اداره است. این که آقای غنی شخصن آقای پوپل را به ماموران اداره ارگان‌های محلی معرفی کرده، نشانه‌یی از جدیت رئیس جمهوری در مورد نظارت بر امور ولایت‌ها دانسته می‌شود.

پس از آن که آقای غنی رئیس جمهوری شد، بر اساس دستوری همه والی‌ها را به "سرپرست" تبدیل کرد که تا حال به جز تعداد کمی از ۳۴ والی، همه سرپرست هستند.

او آخرین آصف رحیمی و همایون عزیززی، دو وزیر پیشین

غنی، رئیس جمهوری افغانستان، جیلانی پوپل را به عنوان رئیس کل اداره ارگان‌های محلی معرفی و در اقدامی کم‌سابقه، شخصن در مراسم معرفی‌اش شرکت کرد.

اداره ارگان‌های محلی مستقیمن زیر نظر رئیس جمهوری کار می‌کند و مسوولیت نظارت مستقیم بر کار والی‌ها، شوراهای ولایتی، شهردارها و مسوولان اداری ولایات را به عهده دارد. آقای پوپل که زمستان سال گذشته از سوی آقای غنی به عنوان وزیر مالیه به مجلس نمایندگان معرفی شده بود، از رفتن به مجلس برای گرفتن رای اعتماد انصراف داد.

او معاون حزب افغان ملت است و معاونت وزارت مالیه و ریاست ارگان‌های محلی را در کارنامه خود دارد.

پیش از این عبدالخالق فراهی ریاست این اداره را به عهده



گزارشگر: خادم حسین فایز

## این صف چقدر طولانی خواهد شد؟



امرار معاش فامیلم معلوم نیست که چند سال دیگر در آنجا کار خواهیم کرد.  
نورالحق برای به دست آوردن پاسپورت از پنجشیر به کابل آمده است. او می‌گوید: "می‌خواهم پاسپورت تجاری بگیرم، زیرا می‌خواهم برای فروش سنگ‌های قیمتی چون لاجورد-بدخشان، نمایندگی رسمی شرکت استخراج معدن‌مان را در چین باز کنیم." او می‌گوید، در بدخشان در کنار لاجورد، یاقوت، اسپینل، زمرد، الماس و یخک یا کوارتز نیز یافت می‌شود.  
علی حیدری یکی دیگر از کسانی است که برای گرفتن پاسپورت تحصیلی در صف ایستاده اند. او می‌گوید: "می‌خواهم یک پاسپورت تحصیلی برای ادامه‌ی تحصیل در خارج از طریق اخذ بورسیه‌ی تحصیلی، بگیرم."  
روزانه نزدیک به هزار نفر برای گرفتن پاسپورت برای مقاصد مختلف پشت دروازه‌ی ریاست پاسپورت شهر کابل صف می‌بندند. اما سوال اینجاست که وزارت داخله و ریاست پاسپورت برای توزیع پاسپورت‌های دیجیتالی در ولایات چه زمانی اقدام خواهند کرد؟

پاسپورت صف بسته اند؛ محمد ظفر احمدی است. او باشنده‌ی ولایت کابل است و به علت مرضی‌بی که عاید حالش شده است، می‌خواهد بعد از گرفتن پاسپورت به پاکستان و یا هند سفر نماید. او می‌گوید: "من مرضی قلبی دارم، در شفاخانه‌های زیادی در کشور مراجعه کردم اما بهبود نیافتم؛ می‌خواهم بعد از گرفتن پاسپورت به خارج از کشور برای تداوی بروم." او افزود: "گرچه دکتران ما متخصص اند و توانایی تشخیص مرضی‌های گوناگون را دارند اما به علت تجاری بودن و بی کیفیت بودن دواها در افغانستان، مریضان صحت‌یاب نمی‌شوند، آنگاه مجبور می‌شوند تا برای تداوی شان راهی کشورهای دیگر شوند."  
او معتقد است که کشورهای همسایه آگاهانه ادویه‌ی ناکارآمد را به افغانستان صادر می‌کنند تا بتوانند درآمد میلیونی‌ای که از تداوی مریضان افغانستانی بدست می‌آورند، را از دست ندهند.  
علی شاه، از ولایت غزنی، ولسوالی مالستان برای گرفتن پاسپورت راهی کابل شده است. او می‌خواهد پاسپورت‌اش را تمدید کرده و دوباره برای کارگری راهی ایران شود. او اظهار داشت: "حدود هفت سال است که در ایران کار می‌کنم و برای

پاسپورت یگانه سند رسمی، قانونی و بین‌المللی است که با استفاده از آن افراد می‌توانند در کشورهای دیگر سفر کنند. نظر به تعریف حقوقی، پاسپورت سند رسمی است که طبق احکام قانون، از طرف مراجع با صلاحیت به منظور مسافرت اتباع کشور به خارج و بازگشت آنها به وطن صادر می‌گردد. این سند بنا به درجات رسمی افراد، به انواع مختلف تقسیم گردیده است: پاسپورت سیاسی، پاسپورت خدمت، پاسپورت تحصیل، پاسپورت عادی و پاسپورت تجاری.  
افراد می‌توانند برای گرفتن پاسپورت در پیش ریاست پاسپورت همه روز صف می‌بندند، اکثریت شان می‌خواهند پاسپورت عادی بگیرند. آنان از این پاسپورت برای مقاصد مختلف چون، سیاحت، تجارت، دیدن اقارب، تصفیه‌ی معاملات تجاری، کار، ضرورت وظیفوی، ادای فریضه‌ی حج، عمره و زیارت اماکن متبرکه و یا هم معالجه بکار می‌گیرند.  
در آغاز سال ۱۳۹۲، وزارت داخله از آمادگی توزیع پاسپورت‌های کامپیوتری که با معیارهای جهانی سازگار است، خبر داد. توزیع پاسپورت‌های جدید یک دستاورد بزرگ برای دولت پیشین افغانستان و سازمان هوانوردی ملکی به شمار می‌رود. اما قبل از این، شهروندان افغانستان از پاسپورت‌های قلمی - غیرمعیاری استفاده می‌کردند. گرفتن و صدور پاسپورت‌های دست‌نویس (قلمی)، نه تنها برای ریاست پاسپورت مشکل‌ساز بود، بلکه مشکلات و سرگردانی‌های زیادی را برای شهروندان افغانستان نیز بوجود آورده بود؛ مردم برای گرفتن پاسپورت ماه‌ها سرگردان در ادارات مختلف می‌دویدند و یا هم دست به فساد اداری می‌زدند، اما حالا با دیجیتالی شدن پاسپورت و معیاری شدن ریاست پاسپورت، توزیع آن نیز سهل‌تر شده است. به گفته‌ی رئیس اداره‌ی پاسپورت، از آغاز روند توزیع تا کنون حدود شصت هزار جلد پاسپورت دیجیتالی توزیع گردیده است و روزانه حدود دو هزار جلد در مرکز و ولایات توزیع می‌گردد.  
در آغاز توزیع پاسپورت‌های کامپیوتری، ریاست مذکور گفته بود که تا دو سال آینده یعنی (تا ۱۳۹۴) توزیع پاسپورت‌های جدید را در ولایات نیز شروع خواهند کرد، ولی تا به حال، فقط ریاست‌های این اداره در چند ولایت فعال شده است.  
از میان شهروندانی که برای گرفتن پاسپورت در پیش ریاست

## دوای بی کیفیت را از بازار جمع آوری کنید!

در دهه‌ی اخیر کمیت شفاخانه‌ها در کابل و ولایات کشور گسترش یافته اند؛ این مراکز برای بهبود وضع صحتی مردمان کشور و توسعه تداوی در سطح ملی فعالیت می‌کنند. کارکرد اصلی این نهادهای صحتی، تداوی مریضان کشور است. در سراسر کشور، بیش از ۱۷۰۰ مرکز کوچک و بزرگ صحتی فعالیت دارد. در کنار شفاخانه‌های دولتی، حدود ۱۸۲ شفاخانه خصوصی در کشور وجود دارد که از آن میان ۸۸ شفاخانه در کابل و ۹۲ شفاخانه دیگر در ولایات فعالیت می‌کنند که از آن میان ۸۷ شفاخانه به نسبت عدم مراعات معیارهای صحتی، از سوی وزارت صحت عامه مسدود گردیده بود، از آن میان ۶۱ باب آن در کابل و ۱۷ باب آن در ولایت فعالیت می‌کردند.  
نظر به تحقیقی که از سوی کمیته مستقل مشترک نظارت و ارزیابی مبارزه با فساد اداری افغانستان انجام شده، نشان می‌دهد که تفاوت نرخ عین دواها، ده‌ها برابر است. از سویی هم، حدود نیمی از دواها افغانستان از پاکستان بصورت قاچاق وارد افغانستان می‌شود، که بیش از سه صد شرکت کوچک که با معیارهای جهانی صحت برابر نیستند. در پاکستان برای افغانستان دواهای بی کیفیت تولید می‌کند و این دواها مارک‌های خاصی دارد که فقط به افغانستان قابل صادر اند. یکی از علت‌هایی که مریضان در افغانستان بهبود نمی‌یابند، بی کیفیت بودن دواها است. اما دیده می‌شود که عدم کنترل دقیق بازار از سوی وزارت صحت عامه باعث افزایش دواها بی کیفیت در دواخانه‌های کشور شده است.  
بی کیفیت بودن دواها در افغانستان باعث شده تا افغانستانی‌ها برای درمان به کشورهای خارج چون پاکستان، ایران، هند، ترکیه و کشورهای دیگر رو آورند. هر افغان با رفتن برای معالجه به بیرون از کشور، هزاران افغانی را مصرف می‌کند و این کشورها میلیون‌ها دالر از این ناحیه نفع می‌برند. چنانچه وزارت صحت عامه اعلام نموده بود که اقتصاد افغانستان سالانه ۳۴۰ میلیون دالر امریکایی را به دلیل سفر مریضان به خارج از دست می‌دهد. به صورت نمونه، در هندوستان روزانه حدود هزار نفر سفر می‌نمایند که حدود ۸۰ درصد آنان برای تداوی راهی آن کشور می‌شود و در یک شفاخانه هر هفته حدود ۲۰۰ مریض افغانستانی برای تداوی مراجعه می‌کند.  
این نشان می‌دهد که خدمات صحتی معیاری در افغانستان ارائه نمی‌شود. زیرا از یک سو شفاخانه‌های خصوصی و دولتی در پایتخت خدمات معیاری صحتی ارائه نمی‌دهند، از سویی دیگر نیازمندی‌های اولیه صحتی در مناطق دور افتاده کشور نیز کم‌رنگ است. اما از آنجایی که در مناطق دور افتاده اکثریت مردم بی‌سواد اند، دواهای تاریخ‌تیرشده از سوی بعضی خرده‌تاجران به آن مناطق منتقل و به فروش می‌رسد. به طور کلی، در خیلی از ولایات کشور، نظر به جمعیتی که یک ولایت دارد، آنقدر شفاخانه فعال نیست، به صورت نمونه در ولایت دایکندی شفاخانه‌ها و مراکز صحتی خیلی کم است.  
عدم ارائه خدمات صحتی معیاری، عدم تشخیص دقیق، وجود دواهای بی کیفیت و نرخ‌های نامتوازن و سرخودانه را می‌توان در شفاخانه‌های پایتخت به وضوح مشاهده کرد. چندی قبل کسی در یکی از شفاخانه‌های پایتخت برای تداوی مراجعه کرده بود، اما برای یک مرضی سطحی انواع تست‌ها و معاینات را انجام داده بود. در کنار آن، وقتی مریض برای گرفتن دوا تجویز شده از سوی داکتر به دواخانه‌ی مربوط شفاخانه مراجعه کرده بود، دوا فروش، دوا را ۴۵۰ افغانی قیمت کرده، درحالیکه در بیرون از شفاخانه در دواخانه‌ی پهلوی آن، عین دوا را به ۱۵۰ افغانی خریده بود.  
با در نظر داشت عدم کنترل دواها، عدم بررسی ارائه خدمات صحتی در شفاخانه‌ها و فقدان تفتیش قیمت‌های دواها می‌توان گفت که مسوولان وزارت صحت عامه در زمینه معیاری ساختن خدمات صحتی و جلوگیری از قاچاق و فروش دواها بی کیفیت و تاریخ‌تیرشده مقصر اند. مساله‌ی کمکاری و سهل‌انگاری مسوولان وزارت دو مطلب را می‌رساند: یکی اینکه بعضی مسوولان وزارت مذکور در تجارت و قاچاق دواهای بی کیفیت نقش دارند. دوم اینکه وزارت برنامه‌ی دقیق برای جلوگیری از قاچاق و فروش دواهای بی کیفیت ندارد.

## حوادث پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و نگرش در مورد حل مساله‌ی زمین و آب

اشاره صورت گرفته که امکانات تاسیس فارم و پروژه در آن متصور نباشد. در ماده چهارم که غرض از آن تثبیت اندازه مالیه و تثبیت مالکیت زمین است، اراضی را به هفت درجه تقسیم کرده است. در این تقسیم بندی اراضی بر حسب مرغوبیت به زمین درجه اول باغی، زمین درجه دوم دو فصله آبی، زمین درجه سوم یک فصله آبی، زمین درجه چهارم یک فصله آبی، زمین درجه پنجم - زمین للمی یک بوره که سال در میان کشت می‌شود - زمین درجه ششم للمی که دو سال در میان کشت می‌شود و سرانجام به زمین درجه هفتم للمی که بیشتر از دو سال در میان کشت می‌شود، قسمت گردیده است.  
ماده‌ی چهارم و یکم که به توزیع زمین به اساس درجات ارتباط می‌گیرد، برای متقاضی زمین درجه اول ۱۰ جریب و از زمین درجه دوم ۱۲ جریب، درجه سوم ۱۵ جریب، درجه چهارم ۲۵ جریب، درجه پنجم ۵۰ جریب، درجه ششم ۶۶ جریب، و از زمین درجه هفتم به اندازه ۱۰۰ جریب توزیع می‌گردد. در اینجا به وضوح به جای مستحق (افراد بی زمین و کم زمین)، متقاضی (تقاضا کننده) آمده که هیچگاه با هم قابل مقایسه نمی‌باشد.  
بررسی این دو ماده نشان می‌دهد که دولت جمهوری اسلامی هیچ گونه علاقه‌ی به اصلاح ارضی و یا مصادره‌ی ملکیت ملاکان کلان اراضی به نفع دهقانان بی‌زمین، کم‌زمین، کارگران زراعتی و امثال آن ندارد. از فحوای این سند هویدا می‌گردد که رژیم طرفدار مالکیت نامحدود...  
صفحه‌ی ۳

است، فقط در فصل ششم زیر عنوان توزیع زمین از ماده ۳۹ تا ماده ۴۹ در این مورد ابراز نظر کرده است.  
رژیم جمهوری در مورد رفورم و اصلاحات ارضی، برخلاف جمهوری محمد داوود و ۷ ثوری‌ها، راجع به مصادره، توزیع و حتا استملاک مالکیت ارضی اشخاص تماس نگرفته، اما اشاراتی در این سند مشابه نظام‌نامه ناقلین در آن دیده می‌شود. (۲)  
در فقره ۱، ماده سی‌ونهم تنها به آن بخش از زمین‌های دولتی

آزاد پس از سقوط امارت اسلامی افغانستان، موضوع حل مساله‌ی زمین و آب از جمله مسایل فرعی به شمار می‌رود. از آنرو جمهوری اسلامی افغانستان درین زمینه پس از دهسال (۱۰ اسد سال ۱۳۹۱) تاخیر و درنگ، سرانجام سندی را از طریق وزارت عدلیه به نشر سپرده که بنام قانون تنظیم زمین‌داری نام‌گذاری گردیده است. (۱)  
قانون تنظیم زمین‌داری که حاوی بازده فصل و نود و پنج ماده

**دولت جمهوری اسلامی هیچ‌گونه علاقه‌ی به اصلاح ارضی و یا مصادره‌ی ملکیت ملاکان کلان اراضی به نفع دهقانان بی‌زمین، کم‌زمین، کارگران زراعتی و امثال آن ندارد. از فحوای این سند هویدا می‌گردد که رژیم طرفدار مالکیت نامحدود ارضی برای مالکان بوده و این لایه‌ی توانمند اقتصادی اجتماعی را می‌خواهد برخلاف دو رژیم گذشته (جمهوری محمد داوود و کودتاچیان ۷ ثور) به عنوان پایگاه اجتماعی همانند دوران سلطنت در کنار داشته باشد. ماده چهارم و ششم که راجع به فروش و انتقال زمین‌های بکر و بایر است، حق سلطانی رئیس دولت همانند حق ظل‌اللهی شاهان و حکمرانان گذشته باردیگر احیا گردیده و به صراحت در فقره ۱ آن ماده آمده است: "هیچ شخصی نمی‌تواند زمین‌های بکر و بایر را تحت تصرف مالکانه خود قرار دهد مگر به فرمان رئیس جمهور"**